

# مقایسه اثربخشی روش‌های مشاوره فردی و زوجی بر میل به طلاق زوج‌های دارای روابط فرازنشویی

شیما مصری‌پور<sup>۱</sup>، عذرا اعتمادی<sup>۲</sup>، سید احمد احمدی<sup>۳</sup>، رضوان السادات جزایری<sup>۴</sup>

## مقاله پژوهشی

## چکیده

**زمینه و هدف:** با توجه به ماهیت پیچیده خیانت و تأثیرات فاجعه‌انگیز آن بر میل به طلاق، ضروری است که مداخلات مؤثر برای کمک به زوج‌هایی که با این مشکل مواجه هستند، ایجاد شود. بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف مقایسه اثربخشی برنامه مشاوره‌ای تدوین شده بر میل به طلاق زوج‌های درگیر در روابط فرازنشویی زن انجام شد.

**مواد و روش‌ها:** این مطالعه به صورت نیمه‌تجربی انجام شد. افراد مورد مطالعه از میان مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره شهر اصفهان (ایران) به شیوه در دسترس انتخاب شدند. افراد شرکت‌کننده به صورت غیر تصادفی در ۴ گروه مشاوره زوجی (۸ زوج)، مشاوره فردی با مرد (۱۶ نفر مرد خیانت دیده و همسران آن‌ها)، مشاوره فردی با زن (۱۶ زن خیانت‌کننده و همسران آن‌ها)، و گروه شاهد (۸ زوج) قرار گرفتند. مداخله در ۳ گروه آزمایش در ۱۰ جلسه آموزشی ۸۰ دقیقه‌ای اجرا شد. در این مطالعه، از پرسش‌نامه میل به طلاق به منظور بررسی اثربخشی مداخله و مقایسه گروه‌های مورد مطالعه استفاده شد. روایی و پایایی این ابزار در مطالعات مختلف مورد تأیید قرار گرفته است.

**یافته‌ها:** اطلاعات کلیه مشارکت‌کنندگان (۹۶ نفر زوج‌های کلیه گروه‌ها) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. آزمون تکرار سنجش، جهت ارزیابی اثرات اصلی و تعاملی زمان و گروه‌های مورد مطالعه بر میزان میل به طلاق و مؤلفه‌های آن نشان داد که اثر تعامل گروه (مشاوره فردی، زوجی و گروه شاهد) و زمان (۳ مرحله: پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) در کلیه متغیرهای مورد مطالعه معنی‌دار بود ( $P < 0/001$ ).

**نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج برنامه مشاوره‌ای تدوین شده به روش مشاوره زوجی در مقایسه با روش‌های مشاوره فردی از اثربخشی بیشتری بر میل به طلاق زوج‌های درگیر در روابط فرازنشویی برخوردار است.

**واژه‌های کلیدی:** روابط فرازنشویی، مشاوره فردی، مشاوره زوجی، میل به طلاق

**ارجاع:** مصری‌پور شیما، اعتمادی عذرا، احمدی سید احمد، جزایری رضوان‌السادات. مقایسه اثربخشی روش‌های مشاوره فردی و زوجی بر میل به طلاق زوج‌های دارای روابط فرازنشویی. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۵؛ ۱۴ (۳): ۳۱۰-۳۱۶

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۶/۲۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۲

می‌آورد (۴). آمار گزارش شده در مورد میزان شیوع روابط خارج از حیطه زناشویی متنوع است که تا حدی به نحوه مفهوم‌سازی خیانت زناشویی باز می‌گردد. با این حال در یکی از مطالعات انجام گردیده بیان شده است که ۲۱ درصد مردان و ۱۱ درصد زنان در طول زندگی مرتکب خیانت زناشویی می‌شوند (۵). خیانت زناشویی یکی از دلایل عمده طلاق می‌باشد. طلاق باعث از هم پاشیده شدن کانون گرم خانواده می‌شود و سبب تأثیرات منفی بر سلامت جسمی و روانی زوج‌ها و کودکان می‌شود (۲). زمانی که زندگی مشترک با رویدادی همچون خیانت زناشویی مواجه می‌گردد، دیگر نمی‌تواند روابط قبلی را با هم داشته باشند و اغلب میل به طلاق در یکی از آن‌ها و گاهی هر دو نفر افزایش می‌یابد (۶، ۷). Kitson و همکاران در مطالعه‌ای مروری با بررسی علل طلاق، بیان می‌کنند که از ۹ پژوهش بررسی شده در ۸ مورد آن، رابطه جنسی فرازنشویی مهم‌ترین عامل پایان یافتن ازدواج بوده است (۸).

## مقدمه

خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل رشد انسانی، در جامعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ در حالی که این نهاد با اهمیت همواره می‌تواند در معرض آسیب‌های ویرانگری قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین آسیب‌های تهدیدکننده خانواده، خیانت زناشویی است (۱). در تحقیقی، خیانت زناشویی نوعی رابطه جنسی-عاطفی یا جنسی و یا عاطفی با فردی غیر از همسر، که از او پنهان می‌شود، بیان شده است (۲). خیانت، زیان‌آورترین عمل در یک ارتباط است که علاوه بر صدمات غیر قابل جبران به زوج‌ها، اعتماد و اطمینان فردی را که مورد خیانت قرار گرفته شده را نیز نسبت به افراد دیگر از بین می‌برد (۳). درگیر شدن در روابط خارج از حیطه زناشویی، دارای شیوع قابل توجه در محیط‌های بالینی و عادی می‌باشد که آشفته‌گی‌های بسیاری را برای افراد مرتکب آن و نیز همسران آن‌ها به وجود

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
- ۲- دانشیار، گروه مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
- ۳- استاد، گروه مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
- ۴- استادیار، گروه مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Email: o.etemadi@edu.ui.ac.ir

نویسنده مسؤول: دکتر عذرا اعتمادی

بالای سیکل، عدم تشخیص اختلال‌های بالینی و اختلال شخصیت از طریق مصاحبه مقدماتی و انجام تست MMPI<sub>۲</sub> (Minnesota multiphasic personality inventory) فرم کوتاه، عدم مراجعه به دادگاه برای طلاق در زمان اجرای پژوهش، عدم شرکت در دوره‌های مشاوره یا درمان همزمان و تمایل به شرکت داوطلبانه در مطالعه بود. ضمن آن که افراد دارای غیبت بیش از ۲ جلسه در طول درمان و یا همسر آنان مایل به همکاری و شرکت در مصاحبه نمی‌شد، از مطالعه خارج می‌شدند. اطلاعات افراد مورد مطالعه در ۳ زمان پیش از مداخله، پس از مداخله و ۲ ماه پس از اتمام مداخله جمع‌آوری و بررسی شد. پیش از انجام مطالعه رضایت کتبی از کلیه مشارکت‌کنندگان مطالعه دریافت شد. مطالعه حاضر توسط کمیته اخلاق دانشگاه اصفهان (شماره ۱۱۳۷۰۵۹) مورد تأیید قرار گرفت.

محققان پیش از انجام این مطالعه در یک پژوهش مقدماتی اقدام به بررسی علل خیانت زناشویی نمودند و بر اساس آن بسته مشاوره‌ای مبتنی بر ابعاد استخراج شده از علل خیانت زنان تدوین شد (۱۵). این بسته شامل پروتکل درمانی مرتبط با علل به دست آمده و روش‌های موجود مداخله در خیانت بر اساس رویکردهای شناختی- رفتاری و زوج‌درمانی پیش‌گرا در ۱۰ جلسه آموزشی ۸۰ دقیقه‌ای برای ۳ گروه زوج‌درمانی، مشاوره فردی با زنان خیانت‌کننده و مشاوره فردی با مردان خیانت دیده بود (۱۶، ۱۷).

سرفصل محتوای جلسات شامل ارزیابی اولیه و گرفتن پیش‌آزمون، مدیریت برقراری رابطه درمانی و مداخله در بحران، تشخیص علل و نوع رابطه، بررسی زبان عشق و گام‌های ترک عشق، واکاوی معنایی و تمرکز بر نقش خود، بررسی مسایل عاطفی و هیجانی فرد، ارتقای مهارت‌های هیجانی و جنسی فرد، بخشیدن خود، دیگری و تصمیم‌گیری در مورد رابطه، تصمیم‌گیری در مورد رابطه زناشویی و نوشتن تعهدنامه و اجرای پس‌آزمون بود. مداخله در کلیه گروه‌ها توسط یک فرد انجام شد. ضمن آن که، گروه شاهد که از میان افراد متقاضی دریافت مشاوره و در لیست انتظار قرار داشتند، پس از پایان مطالعه مشاوره مورد نظر خود را دریافت نمودند.

در مطالعه حاضر از مقیاس میل به طلاق Rusbult و همکاران استفاده شد. این مقیاس یک ابزار ۱۴ سؤالی است که برای ارزیابی زوج‌های مستعد طلاق به کار می‌رود. این ابزار دارای دو خرده‌مقیاس می‌باشد که هر کدام توسط ۷ سؤال مورد سنجش قرار می‌گیرد. خرده‌مقیاس‌ها شامل میل به طلاق و میل به مسامحه است. هر سؤال در یک طیف درجه‌بندی ۷ گزینه‌ای نمره‌گذاری می‌شود (۱- هرگز، ۲- به ندرت، ۳- خیلی کم، ۴- کم، ۵- زیاد، ۶- خیلی زیاد، ۷- همیشه). نمره این پرسش‌نامه از جمع نمرات سؤال‌ها به دست می‌آید، به عبارت دیگر کمیته و بیشینه نمرات عدم تمایل و یا تمایل به طلاق را می‌سجد (۱).

در ایران نیز پایایی آن با استفاده از ضریب Cronbach's alpha برای کل نمونه ۰/۸۸ (برای زنان ۰/۸۹ و برای مردان ۰/۸۷) ذکر شده است و میزان ضریب Cronbach's alpha برای خرده‌مقیاس‌های تمایل به خارج شدن ۰/۸۹ و مسامحه ۰/۸۸ محاسبه گردید (۳). در پژوهش حاضر نیز ضریب Cronbach's alpha برای کل نمونه ۰/۸۵، نمره ۹۶ نفری، گزارش شد.

نتایج مطالعه به صورت شاخص‌های آماری- توصیفی به منظور توصیف ویژگی‌های نمونه مورد پژوهش و همچنین، آماره‌ها و تحلیل‌های استنباطی جهت آزمون فرضیات طرح مداخله‌ای حاضر در خصوص داده‌های مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری گزارش گردید.

پژوهش‌های مربوط به زوج‌درمانی خیانت نشان داده است که با به کارگیری راهبردها و روش‌های درمانی مناسب، درصد زیادی از زوج‌ها درمان‌پذیر هستند (۱۰، ۹، ۵). بر همین اساس، در برخی پژوهش‌ها پیشنهاد می‌شود که درمان خیانت زناشویی متفاوت از سایر مشکلات زوجی بوده و به توجه ویژه‌ای در خصوص راهبردهای درمانی نیاز دارد (۱۲، ۱۱). مؤمنی جاوید و همکاران در مطالعه خود بیان می‌کنند که جلسات مشاوره و روان‌درمانی می‌تواند بر بهبود کیفیت زندگی زنان درگیر در خیانت‌های زناشویی تأثیرگذار باشد (۱۳). با وجود این که خیانت تجربه‌ای مخرب برای زوج‌ها به شمار رفته و یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی زوج‌درمانگران است، درمانگرانی که به بررسی اثرات خیانت و تصمیم‌گیری در مورد یک مسیر مناسب درمانی می‌پردازند، با محدودیت‌هایی در زمینه رهنمودهای تجربی مواجه هستند (۱۱، ۵، ۳). به اعتقاد Stefano و Oala با توجه به این که روابط نامشروع منجر به بروز واکنش‌های منفی متفاوتی می‌شود، فرایند مشاوره این افراد قابل پیش‌بینی نیست و از الگوی درمانی منظمی پیروی نمی‌کند. بر همین اساس در بسیاری از برنامه‌های مشاوره برخلاف دریافت کمک‌های حرفه‌ای و تخصصی مشاوران، برقراری اعتماد مجدد، نامعلوم و غیر قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد (۱۴).

با توجه به ماهیت پیچیده خیانت و تأثیرات فاجعه‌انگیز آن بر میل به طلاق زوج‌ها، ضروری است که مداخلات مؤثر برای کمک به زوج‌هایی که با این مشکل مواجه هستند، ایجاد شود. بر این اساس، مطالعه حاضر با توجه به علل و ابعاد آسیب‌شناسی به دست آمده بر اساس مطالعه اولیه، ضمن تدوین بسته مشاوره‌ای بر اساس اطلاعات پیشین، به مقایسه اثربخشی این بسته بر میل به طلاق زوج‌های درگیر در روابط فرازناشویی زن در قالب ۳ روش مشاوره فردی در زنان خیانت‌کننده، مشاوره فردی در مردان خیانت دیده و مشاوره زوجی اقدام نمود (۱۵).

## مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر به صورت نیمه‌تجربی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زوج‌های متأهل شهر اصفهان (ایران) با شکایت خیانت زن در سال ۹۴-۱۳۹۳ بود. افراد مورد مطالعه از میان مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره شهر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس و از روی لیست زوج‌ها، زنان و مردان حاضر به همکاری انتخاب شدند. برای انجام این کار ابتدا در مراکز مشاوره، برای آگاهی یافتن افراد علاقمند به شرکت در دوره آموزشی توسط مسؤول پذیرش و همکاران مشاور، اطلاع‌رسانی شد و پس از توضیح در مورد اهداف آموزشی از زوج‌های متقاضی جهت ۳ گروه آزمایشی ثبت‌نام به عمل آمد. پس از ثبت‌نام، ۹۶ نفر مبنای پژوهش‌های نیمه‌تجربی بود. در گروه آزمایشی اول (مشاوره زوجی) ۱۶ نفر (زوج)، در گروه آزمایشی دوم (مشاوره فردی با مرد) ۱۶ نفر مرد خیانت دیده و همسران آن‌ها، در گروه آزمایش سوم (مشاوره فردی با زن) ۱۶ نفر زنان خیانت‌کننده و همسران آن‌ها و ۱۶ نفر (زوج) در گروه شاهد به صورت غیر تصادفی قرار گرفتند.

شرایط ورود افراد به مطالعه شامل دارا بودن حداقل ۱ سال سابقه ازدواج، زن بودن زوج خیانت‌کننده، شکایت اصلی مراجع از یکی از خیانت‌های زناشویی (عاطفی، جنسی، رفتاری، ترکیبی بر اساس خوداظهاری)، عدم ابتلا به سوء مصرف مواد و الکل و عدم دریافت داروهای روان‌پزشکی که به وسیله مصاحبه تشخیصی و سؤال مستقیم از افراد مورد بررسی قرار گرفت، سطح تحصیلات

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی نمرات میل به طلاق بر حسب اساس گروه‌های مورد مطالعه

مؤلفه	گروه	مشاوره فردی یا زن خیانت کننده			مشاوره فردی یا مرد خیانت دیده			مشاوره زوجی			گروه شاهد
		میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار	میانگین ± انحراف معیار		
میل به طلاق (شاخص کل)	پیش‌آزمون	۵۷/۷۳ ± ۲۲/۴۱	۷۰/۰۰ ± ۱۶/۱۵	۵۲/۴۹ ± ۱۸/۶۲	۷۲/۰۰ ± ۱۴/۷۶						
	پس‌آزمون	۴۹/۱۳ ± ۲۱/۷۰	۴۱/۳۱ ± ۱۲/۶۲	۲۹/۵۰ ± ۱۹/۳۰	۷۳/۱۸ ± ۱۴/۵۶						
	پیگیری	۵۱/۸۵ ± ۲۲/۵۹	۳۶/۰۳ ± ۱۰/۲۲	۲۷/۵۱ ± ۱۷/۳۷	۷۵/۸۱ ± ۱۵/۴۶						
میل به طلاق	پیش‌آزمون	۲۶/۵۱ ± ۱۴/۵۱	۳۲/۷۵ ± ۱۰/۵۱	۲۵/۰۰ ± ۱۲/۰۴	۳۵/۶۸ ± ۱۲/۳۳						
	پس‌آزمون	۲۳/۷۰ ± ۱۳/۹۹	۱۷/۲۵ ± ۵/۸۰	۱۰/۰۶ ± ۷/۳۱	۴۰/۱۸ ± ۱۲/۵۰						
	پیگیری	۲۶/۷۱ ± ۹/۸۸	۱۰/۳۱ ± ۱۱/۶۲	۱۵/۷۵ ± ۱۱/۲۹	۳۵/۶۲ ± ۸/۹۱						
میل به مسامحه	پیش‌آزمون	۲۲/۴۲ ± ۱۳/۱۹	۱۹/۷۵ ± ۷/۴۸	۱۲/۹۳ ± ۸/۹۴	۳۷/۵۰ ± ۱۱/۵۵						
	پس‌آزمون	۳۱/۲۱ ± ۹/۳۴	۳۷/۲۵ ± ۶/۸۷	۲۷/۵۰ ± ۸/۵۴	۳۶/۳۱ ± ۷/۵۹						
	پیگیری	۲۸/۱۵ ± ۹/۶۷	۹/۴۲ ± ۱۰/۶۰	۱۲/۴۳ ± ۱۰/۹۲	۳۵/۶۲ ± ۸/۰۸						

شده وجود نداشت ( $P > 0.05$ ).

ویژگی‌های توصیفی متغیر میل به طلاق و مؤلفه‌های آن شامل میل به طلاق، میل به مسامحه بر حسب عضویت گروهی در ۳ مرحله ارزیابی بیان شد. در گروه شاهد، در مراتب ارزیابی متغیرهای وابسته، نمرات از ثبات نسبی برخوردار بود، ولی در گروه‌های مشاوره فردی و زوجی در مراحل پس‌آزمون و پیگیری، تغییرات افزایشی و کاهش، در مقایسه با نمرات پیش‌آزمون ایجاد گردید (جدول ۱).

بررسی این تفاوت‌ها به وسیله آزمون تکرار سنجش، جهت ارزیابی اثرات اصلی، تعاملی زمان و گروه‌های مورد مطالعه بر میزان میل به طلاق و مؤلفه‌های آن نشان داد که اثر تعامل گروه (مشاوره فردی، زوجی و گروه شاهد) و زمان (۳ مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) در کلیه متغیرهای مورد مطالعه معنی‌دار است ( $P < 0.001$ ). معنی‌دار بودن اثر تعامل زمان و گروه نشان دهنده تفاوت کلی میانگین متغیرها در طول زمان و در میان گروه‌های مورد بررسی بود (جدول ۲).

مقایسه جفتی گروه مشاوره زوجی با گروه‌های مشاوره فردی با زنان و گروه شاهد نشان دهنده تفاوت معنی‌دار در کلیه مقایسه‌های انجام شده می‌باشد. در مقایسه زوجی گروه مشاوره زوجی و مشاوره فردی با مردان، میل به طلاق و مؤلفه میل به مسامحه اختلاف معنی‌داری را نشان داد (به ترتیب  $P = 0.002$ ،  $P = 0.04$ ), این در حالی است که مؤلفه میل به طلاق دارای اختلاف معنی‌داری در مقایسه زوجی دو گروه نبود ( $P = 0.21$ ).

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آزمون تحلیل واریانس چند متغیره با تکرار مشاهدات و با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ (version 20, SPSS Inc., Chicago, IL) انجام شد. جهت بررسی نرمال بودن توزیع نمرات میل به طلاق در گروه‌های مورد بررسی، از آزمون Kolmogorov-Smirnov استفاده گردید. علاوه بر این، پیش فرض تساوی واریانس‌ها نیز بر اساس آزمون Levene's test of equality بررسی و مورد تأیید قرار گرفت. در بررسی پیش فرض کرویت داده‌ها، مفروضه کرویت برای هیچ یک از متغیرها (به جز متغیر میل به مسامحه) برقرار نبود. با توجه به عدم برقراری این مفروضه، در پژوهش حاضر مقادیر اصلاح شده آزمون F گزارش شد. برای همه آزمون‌ها، سطح معنی‌داری  $\alpha = 0.05$  در نظر گرفته شد.

### یافته‌ها

در مطالعه حاضر اطلاعات کلیه شرکت کنندگان و همسران آن‌ها در ۴ گروه آزمایش شامل گروه مشاوره فردی با زنان خیانت کننده (۱۶ نفر و همسران آن‌ها)، گروه مشاوره فردی با مردان خیانت دیده (۱۶ نفر و همسران آن‌ها)، مشاوره زوجی (۱۶ نفر) و یک گروه شاهد (۱۶ نفر) مورد بررسی قرار گرفت. میانگین سن افراد شرکت کننده در مطالعه  $30.96 \pm 6.37$  سال با دامنه ۲۰ تا ۵۵ سال و میانگین طول مدت ازدواج  $9.00 \pm 6.27$  سال با دامنه ۱ تا ۳۲ سال بود. ۱۵/۶ درصد افراد مورد مطالعه دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۵۵/۲ درصد دیپلم و ۲۹/۲ درصد لیسانس و بالاتر بودند. نتایج نشان داد که اختلاف معنی‌داری بین گروه‌های مورد مطالعه از نظر متغیرهای ذکر

جدول ۲. آزمون تکرار سنجش جهت ارزیابی اثرات اصلی و تعاملی زمان و گروه‌های مورد مطالعه

متغیر	منبع تغییرات	درجه آزادی	F	معنی‌داری	مجذور سهمی اتا
میل به طلاق (شاخص کل)	بین گروه	۳	۱۸/۹۶	$< 0.001$	۰/۳۸
	اثر زمان	۱	۴۸/۰۲	$< 0.001$	۰/۳۴
	اثر تعامل زمان و گروه	۳	۱۴/۰۵	$< 0.001$	۰/۳۱
میل به طلاق	بین گروه	۳	۲۰/۶۱	$< 0.001$	۰/۴۰
	اثر زمان	۱	۱۸/۰۸	$< 0.001$	۰/۱۶
	اثر تعامل زمان و گروه	۱	۱۱/۳۱	$< 0.001$	۰/۳۷
میل به مسامحه	بین گروه	۳	۲۱/۸۶	$< 0.001$	۰/۴۱
	اثر زمان	۱	۵۴/۴۴	$< 0.001$	۰/۳۷
	اثر تعامل زمان و گروه	۳	۱۸/۷۵	$< 0.001$	۰/۳۸

جدول ۳. مقایسه زوجی بین گروه‌های مورد مطالعه با استفاده از آزمون LSD

گروه مبنا	گروه مورد مقایسه میانگین (ME ± SE)	میل به طلاق (شاخص کل)		میل به مسامحه	
		تفاوت میانگین‌ها (ME ± SE)	P	تفاوت میانگین‌ها (ME ± SE)	P
مشاوره زوجی	مشاوره با زنان	-۱۸/۰۷ ± ۴/۵۴	< ۰/۰۰۱	-۹/۶۳ ± ۲/۱۹	< ۰/۰۰۱
	مشاوره با مردان	-۱۴/۲۷ ± ۴/۵۵	۰/۰۰۲	-۴/۵۲ ± ۲/۲۰	۰/۰۴۰
	شاهد	-۳۸/۸۳ ± ۴/۲۴	< ۰/۰۰۱	-۱۸/۸۵ ± ۲/۵۳	< ۰/۰۰۱
مشاوره با زنان	مشاوره با مردان	۳/۸۰ ± ۳/۷۰	۰/۳۰۰	۵/۱۱ ± ۱/۷۹	۰/۰۰۵
	شاهد	-۲۰/۷۵ ± ۴/۴۵	< ۰/۰۰۱	۹/۶۳ ± ۲/۱۹	< ۰/۰۰۱
مشاوره با مردان	شاهد	-۲۴/۵۶ ± ۴/۵۰	< ۰/۰۰۱	-۱۴/۳۳ ± ۲/۳۰	< ۰/۰۰۱

کمک می‌کند تا با کسب آگاهی و مهارت حل مسأله مشکلش را حل کند و توانمندی مواجهه با مشکلات را در خود افزایش دهد (۱۱، ۴).

به نظر می‌رسد که مشاوره چه با زنان خیانت کرده و یا مردان خیانت دیده با ایجاد عواطف مثبت، جلب توجه به ویژگی‌های مثبت زندگی، رفع تعارضات درونی می‌تواند بر این جنبه مهم زندگی اثرگذار باشد (۱۸، ۱۴). همچنین، بخش اساسی برنامه تدوین شده آموزش مهارت‌ها است که مهارت‌های لازم برای کاهش میل به طلاق را فراهم می‌کند. زنان خیانت کننده و مردان خیانت دیده در جلسات مشاوره، مهارت‌های لازم جهت برخورد سازنده با آسیب‌های وارده را فرا می‌گیرند و از نقش منفعلانه خارج شده می‌آموزند که با موقعیت‌های آینده برخورد مؤثرتری داشته باشند. علاوه بر این، مداخله بر اساس برنامه تدوین شده کمک می‌کند که افراد به تخلیه هیجانات و احساسات منفی بپردازند و زخم‌های گذشته را التیام بخشند. این جلسات همچنین، کمک می‌کند تا روابط زناشویی با همسر خاطی بازسازی شود، از تعارضات زناشویی پیشگیری شده و کانون خانواده حفظ شود و در نهایت، همان گونه که نتایج نشان می‌دهد، میل به طلاق زوج‌ها کاهش می‌یابد (۱۹).

مهم‌ترین هدف مطالعه حاضر مقایسه ۳ روش مشاوره فردی با زنان خیانت کننده، مشاوره فردی با مردان خیانت دیده و مشاوره زوجی بود. نتایج مطالعه نشان داد که مشاوره زوجی علاوه بر تأثیر بر کاهش میل به طلاق زوج‌ها (به جز میل به مسامحه)، در مقایسه با روش‌های مشاوره فردی به صورت معنی‌داری اثر بخش‌تر بود. مشاوره زوجی بر همکاری هر دو زوج در جریان بهبود روابط به دنبال خیانت زناشویی تأکید اساسی دارد و بیان می‌کند که کار تنها با همسر آسیب دیده یا بالعکس نتایج درمانی چندانی را به دنبال ندارد (۲۱، ۲۰).

مقایسه زوجی دو گروه مشاوره فردی (گروه مشاوره فردی با زنان و گروه مشاوره فردی با مردان) اختلاف معنی‌داری را در مؤلفه‌های میل به طلاق و میل به مسامحه نشان داد (به ترتیب  $P = ۰/۰۰۸$ ،  $P = ۰/۰۰۵$ ). مقایسه زوجی گروه مشاوره فردی با زنان و گروه مشاوره فردی با مردان با گروه شاهد اختلاف معنی‌داری بین دو گروه، در میل به طلاق و مؤلفه‌های آن دیده شد ( $P < ۰/۰۰۱$ ) (جدول ۳).

مقایسه درون گروهی زوجی، تفاوت معنی‌داری را در مقایسه زمان‌های پیش‌آزمون - پس‌آزمون میل به طلاق و مؤلفه‌های آن نشان داد ( $P < ۰/۰۰۱$ ). مقایسه دو زمان پیش‌آزمون و پیگیری دارای اختلاف معنی‌داری در میل به طلاق و مؤلفه میل به طلاق بود ( $P < ۰/۰۰۱$ ). بررسی زمان‌های پس‌آزمون و پیگیری در میل به مسامحه افراد مورد مطالعه، کاهش معنی‌داری در زمان پیگیری نشان داد ( $P = ۰/۰۰۸$ ) (جدول ۴).

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که مشاوره فردی و مشاوره زوجی (با زنان خیانت کننده و مردان خیانت دیده) در مقایسه با گروه شاهد به صورت معنی‌داری بر کاهش میل به طلاق و مؤلفه‌های آن (میل به طلاق و میل به مسامحه) مؤثر بود و تنها در مقایسه درون گروهی زوجی در مرحله پس‌آزمون - پیگیری در مؤلفه میل به مسامحه اختلاف معنی‌داری مشاهده نشد. مشاوره فردی زمانی انجام می‌گیرد که فقط یکی از زوج‌ها به مشاوره مراجعه می‌کند. مشاوره فردی فعالیتی حضوری - تخصصی است که در آن مشاور در هر زمان به یک مراجع

جدول ۴. مقایسه‌های درون گروهی زوجی با استفاده از آزمون LSD

متغیرها	مقایسه‌های زوجی	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	معنی‌داری
میل به طلاق (شاخص کل)	پیش‌آزمون - پس‌آزمون	۱۴/۷۷	۱/۹۱	< ۰/۰۰۱
	پیش‌آزمون - پیگیری	۱۶/۵۱	۲/۲۸	< ۰/۰۰۱
	پس‌آزمون - پیگیری	۱/۷۴	۱/۱۸	۰/۱۵۰
میل به طلاق	پیش‌آزمون - پس‌آزمون	۷/۱۸	۱/۴۰	< ۰/۰۰۱
	پیش‌آزمون - پیگیری	۷/۸۷	۱/۶۵	< ۰/۰۰۱
	پس‌آزمون - پیگیری	۰/۶۸	۱/۲۷	۰/۵۹۰
میل به مسامحه	پیش‌آزمون - پس‌آزمون	-۹/۹۱	۱/۲۳	< ۰/۰۰۱
	پیش‌آزمون - پیگیری	۱/۰۴	۱/۷۳	۰/۰۹۰
	پس‌آزمون - پیگیری	۱۱/۶۵	۱/۳۲	۰/۰۰۸

می‌یابد، اما باید توجه داشت که شدت آسیب‌زا بودن خیانت‌های زناشویی، بازسازی کامل خانواده و رابطه زوج‌ها نیاز به طول مدت درمان دارد (۳۰، ۱۵). بر همین اساس می‌توان بیان نمود که مدت زمان پیگیری و نیاز به تلاش بیشتر در پیگیری افراد، دلیلی جهت تبیین کاهش میانگین میل به مسامحه در زمان پیگیری بوده است.

مطالعه حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود. بررسی وضعیت اجتماعی و فرهنگی در مطالعه حاضر انجام نشد و با توجه به انجام مطالعه در مراکز مشاوره شهر اصفهان، تعمیم نتایج دشوار می‌باشد. ضمن آن که مدت زمان محدود پیگیری از دیگر عواملی است که می‌تواند اثربخشی طولانی مدت نتایج را مورد پرسش قرار دهد. علاوه بر این، تعداد محدود مطالعات انجام شده در این زمینه امکان مقایسه وسیع‌تر را با مشکل مواجه ساخت.

در نهایت، نتایج مطالعه حاضر نشان داد که برنامه مشاوره‌ای تدوین شده به روش مشاوره زوجی از اثربخشی بالایی بر میل به طلاق زوج‌های درگیر در روابط فرازنشویی برخوردار است. علاوه بر آن، این روش مشاوره در پیاده‌سازی بسته مشاوره‌ای از قابلیت بالاتری نسبت به روش‌های مشاوره فردی در زنان خیانت‌کننده یا مردان خیانت‌دیده برخوردار است. با توجه به آسیب دیدن فرزندان درگیر در خیانت، پیشنهاد می‌گردد که بررسی تأثیر مداخلات مناسب در این گروه در اولویت‌های پژوهشی محققان قرار گیرد. در ضمن، ضروری است که محققان با افزایش مدت پیگیری، اثرات طولانی مدت روش‌های مداخله‌ای را مورد بررسی قرار دهند.

### سپاسگزاری

از کلیه مشارکت‌کنندگان در مطالعه که صادقانه و با صبر به پیشبرد این پژوهش یاری رساندند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود. این مقاله برگرفته از نتایج پایان‌نامه دانشجویی در مقطع دکتری تخصصی مشاوره خانواده به شماره ۱۱۳۷۰۵۹ مصوب در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان می‌باشد. بدین وسیله، از معاونت پژوهشی آن دانشگاه به سبب حمایت مالی تشکر و قدردانی می‌شود.

مشاوره زوجی بر این عقیده استوار است که برای بهبود روابط به دنبال خیانت زناشویی، حیاتی است که زوج‌ها به درکی از تأثیرات خیانت در روابط دست یابند و به یک جمع بندی نهایی و داستانی یکپارچه از خیانت و عواملی که منجر به آن شده است، برسند و هر یک از همسران مسؤلیت خود را در قبال این عوامل به عهده بگیرند (۲۳، ۲۲). با عنایت به این عوامل، می‌توان بیان نمود که مشاوره زوجی به دلیل آن که هر دو زوج زن خیانت‌کننده و مرد خیانت‌دیده در جلسات مشاوره حضور دارند و مشاور می‌تواند بر روی کلیه موارد تأثیرگذار در کاهش میل به طلاق زوج‌ها متمرکز گردد، در مقایسه با روش‌های مشاوره فردی از اثربخشی بالاتری برخوردار است (۹). کریمی و همکاران نیز رویکرد زوج‌درمانی را در کاهش علائم و مشکلات ناشی از روابط فرازنشویی در زوج‌ها هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت مؤثر بیان می‌کنند (۲۴).

به نظر می‌رسد که مشاوره زوجی سبب می‌شود تا توجه زوج‌ها به تبیین‌هایی که در مورد رفتار یکدیگر و به استانداردها و انتظاراتی که از رابطه زناشویی دارند، معطوف گردد. به دلیل این که کشف و بر ملا شدن خیانت اغلب منجر به آشفتگی‌های هیجانی و تعاملات منفی بین زوج‌ها می‌شود، مشاوره زوجی در مقایسه با مشاوره‌های فردی کمک بیشتری می‌نماید تا زوج‌ها آشفتگی‌های هیجانی کمتری را تجربه کنند و از شدت تعاملات منفی آن‌ها کاسته شود (۲۷-۲۵).

یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش مؤمنی و همکاران (۱۳)، Atkins و همکاران (۲۸) و Gordon و همکاران (۲۹) مبنی بر اثربخشی مداخلات درمانی بر بهبود روابط زناشویی همسو است. به نظر می‌رسد که مشاوره زوجی سبب می‌شود تا زوج‌ها درباره خطاکاری و پیمان‌شکنی، مسؤلیت بیشتری بپذیرند و با بخشی از وجود خود روبه‌رو شوند که به شکل‌گیری رابطه نامشروع منجر شده است و به نحوی خود را تغییر دهند که صمیمیت را از نو بین خود و همسرشان برقرار کنند. ضمن آن که مشاوره زوجی باعث افزایش ارتباط بین زوج‌ها شده که می‌تواند به یک محیط بین فردی مثبت منجر گردد و این امر می‌تواند باعث درک احساسات یکدیگر شده و رضایت، تعهد، صمیمیت، اعتماد، شور و هیجان جنسی و عشق را در آن‌ها افزایش دهد. از این‌رو، میل آن‌ها به طلاق کاهش

### References

1. Rusbult CE, Johnson DJ, Morrow GD. Predicting satisfaction and commitment in adult romantic involvements: an assessment of the generalizability of the investment model. *Soc Psychol Q* 1986; 49(1): 81-9.
2. Afifi TD, Granger DA, Joseph A, Denes A, Aldeis D. The influence of divorce and parents' communication skills on adolescents' and young adults' stress reactivity and recovery. *Communication Research* 2015; 42(11): 1009-0421.
3. Yousefi N. Comparison of the effectiveness of family therapy based on schema therapy and bowen's emotional system therapy on divorce tendency among divorce applicant clients. *Journal of Clinical Psychology* 2011; 3(3): 53-64. [In Persian].
4. Snyder DK, Baucom DH, Gordon KC. An integrative approach to treating infidelity. *Fam J* 2008; 16(4): 300-7.
5. Baucom DH, Snyder DK, Gordon KC. Helping couples get past the affair: a clinician's guide. New York, NY: Guilford Press; 2011.
6. Allen ES, Atkins DC. The association of divorce and extramarital sex in a representative U.S. sample. *Fam J* 2012; 33(11): 1477-93.
7. Kruger DJ, Fisher ML, Fitzgerald CJ. Factors influencing the intended likelihood of exposing sexual infidelity. *Arch Sex Behav* (2015) 44: 1697 2012; 44(6): 1697-704.
8. Kitson GC, Babri KB, Roach MJ. Who divorces and why: a review. *J Fam Issues* 1985; 6(3): 255-93.
9. Okrzeşik K. Clinical implications for working with couples experiencing infidelity. In: Swart SF, Editor. Where reflection and practice meet. Chicago, IL: Loyola University Chicago, 2015.
10. Frederick DA, Fales MR. Upset over sexual versus emotional infidelity among gay, lesbian, bisexual, and heterosexual adults.

- Arch Sex Behav 2016; 45(1): 175-91.
11. Blow AJ, Hartnett K. Infidelity in committed relationships II: a substantive review. *J Marital Fam Ther* 2005; 31(2): 217-33.
  12. Rodrigues D, Lopes D, Pereira M. Sociosexuality, Commitment, sexual infidelity, and perceptions of infidelity: data from the second love web site. *J Sex Res* 2016; 1-13.
  13. Momeni Javid M, Shoaakazemi M, Pourshahriyari M. The effect of group counseling with an interpersonal approach on improvement of marital relationship of mothers who were hurt by marital betrayals. *Quarterly Journal of Psychological Studies* 2015; 11(2): 87-114.
  14. Stefano J, Oala M. Extramarital affairs: basic considerations and essential tasks in clinical work. *Family J* 2008; 16(1): 13-9.
  15. Peluso PR. *Infidelity: A Practitioner's guide to working with couples in crisis*. London, UK: Routledge; 2007.
  16. Kirby JS, Lataillade JJ. Cognitive behavioral couple therapy. In: Gurman AS, Lebow JL, Snyder DK, Editors. *Clinical handbook of couple therapy*. New York, NY: Guilford Publications; 2015.
  17. Snyder DK, Wills RM. Behavioral versus insight-oriented marital therapy: effects on individual and interspousal functioning. *J Consult Clin Psychol* 1989; 57(1): 39-46.
  18. Moller NP, Vossler A. Defining infidelity in research and couple counseling: a qualitative study. *J Sex Marital Ther* 2015; 41(5): 487-97.
  19. Girard A, Brownlee A. Assessment guidelines and clinical implications for therapists working with couples in sexually open marriages. *Sex Relation Ther* 2015; 30(4): 462-74.
  20. Duba JD, Kindsvatter A, Lara T. Treating infidelity: considering narratives of attachment. *Family J* 2008; 16(4): 293-99.
  21. Kumar A, Rani A. Marital discord causes and impact of counseling on married couples. *Indian Journal of Health and Wellbeing* 2015; 6(10): 1013-5.
  22. Silverstein JL. Countertransference in marital therapy for infidelity. *J Sex Marital Ther* 1998; 24(4): 293-301.
  23. Gordon KC, Baucom DH, Snyder DK. Forgiveness in couples: Divorce, infidelity, and couples therapy. In: Worthington EL, Editor. *Handbook of forgiveness*. London, UK: Routledge; 2005. p. 407-21.
  24. Karimi J, Soudani M, Mehrabi-Zadeh Honarmand M, Nisi A. Comparison of the efficacy of integrative couple therapy and emotionally focused couple therapy on symptoms of depression and post-traumatic stress symptoms caused by extra-marital relations in couples. *Journal of Clinical Psychology* 2013; 5(3): 35-46. [In Persian].
  25. Cook C. The sexual health consultation as a moral occasion. *Nurs Inq* 2014; 21(1): 11-9.
  26. Shoa Kazemi M, Momeni Javid M. Effect of infidelity therapy on improving mental health of betrayed women. *Int J Psychol Couns* 2015; 7(2): 24-8.
  27. Zapien NM. The experience of beginning an extra-marital affair: A descriptive phenomenological psychological study and clinical implications [Thesis]. Oakland, CA: Saybrook University; 2015.
  28. Atkins DC, Baucom DH, Jacobson NS. Understanding infidelity: correlates in a national random sample. *J Fam Psychol* 2001; 15(4): 735-49.
  29. Gordon KC, Baucom DH, Snyder DK. An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *J Marital Fam Ther* 2004; 30(2): 213-31.
  30. Shackelford TK, Besser A, Goetz AT. Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity. *Individ Differ Res* 2008; 8(1): 13-25.

## Comparing the Effectiveness of Individual and Pair Counseling on the Tendency toward Divorce for Couples with Extramarital Relationships

Shima Mesripour<sup>1</sup>, Ozra Etemadi<sup>2</sup>, Seyed Ahmad Ahmadi<sup>3</sup>, Rezvanosadat Jazayeri<sup>4</sup>

### Original Article

#### Abstract

**Aim and Background:** Given the complex nature of cheating and its catastrophic impact on tendency toward divorce, it is imperative to adopt effective interventions to help those couples who are facing this problem. This study aimed to compare effectiveness of the counseling programs based on tendency toward divorce among couples involved in extramarital relationships.

**Methods and Materials:** Present study is a quasi-experimental study. The subjects were selected from clients referring to the counseling centers in Isfahan, Iran, through convenience sampling method. The participants were non-randomly divided into four groups including couple counseling (8 couples), husbands' individual counseling (16 men being cheated on and their spouses), wives' individual counseling (16 cheating women and their spouses), and the control group (n = 16). Three experimental groups were treated in ten 80-minute sessions. Divorce tendency questionnaire was used to assess intervention effectiveness and to compare the surveyed groups. Various studies have reported the acceptable reliability and validity of this instrument.

**Findings:** The data of all participants (96 individuals including the couples in all groups) were analyzed. The repeated measures test was used to evaluate the main and interactive effects of the time and surveyed groups regarding divorce and its components. The effect of group interaction (individual counseling group, couple counseling group and control group) and time (three stages: pre-test, post-test and follow-up) were significant in all surveyed variables ( $P < 0.001$ ).

**Conclusions:** Counseling programs based on couple counseling, compared with individual counseling methods, had higher effectiveness regarding tendency toward divorce among couples involved in extramarital relations.

**Keywords:** Extramarital relationships, Individual counseling, Couple counseling, Tendency toward divorce

**Citation:** Mesripour S, Etemadi O, Ahmadi SA, Jazayeri R. **Comparing the Effectiveness of Individual and Pair Counseling on the Tendency toward Divorce for Couples with Extramarital Relationships.** J Res Behav Sci 2016; 14(3): 310-6.

Received: 22.06.2016

Accepted: 18.09.2016

1- PhD Candidate, Department of Family Counseling, School of Psychology and Educational Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

2- Associate Professor, Department of Family Counseling, School of Psychology and Educational Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

3- Professor, Department of Family Counseling, School of Psychology and Educational Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

4- Assistant Professor, Department of Family Counseling, School of Psychology and Educational Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

**Corresponding Author:** Ozra Etemadi, Email: o.etemadi@edu.ui.ac.ir